

سیاست و حکومت در خاورمیانه و شمال افریقا

ویراسته
مارک گازپروسکی

ویراستاران پیشین
دیوید ای. لانگ
برنارد ریچ

ترجمه
عسگر قهرمان پور



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۴

عنوان و نام پدیدآور: سیاست و حکومت در خاورمیانه و شمال آفریقا/ ویراسته مارک گازپروسکی؛ ترجمه عسگر قهرمان پور.
 مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری: ۶۸۸ ص: مصور، جدول.
 شابک: 978-964-00-1777-7
 وضعیت فهرستنویسی: فیای مختصر.
 یادداشت: فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.
 یادداشت: عنوان اصلی: The Government and Politics of the Middle East and North Africa.
 یادداشت: کتابنامه.
 یادداشت: نمایه.
 شناسه افزوده: گازپروسکی، مارک، ۱۹۵۴-م.
 شناسه افزوده: Gasiorowski, Mark J.
 شناسه افزوده: لانگ، دیوید ای، ۱۹۴۷-م.
 شناسه افزوده: Long, David E.
 شناسه افزوده: ریچ، بارت، ۱۹۰۶-م.
 شناسه افزوده: Rich, Barnett.
 شناسه افزوده: قهرمان پور، عسگر، ۱۳۵۲-، مترجم.
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۸۸۶۷۷

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۱۷۷۷-۷

این کتاب ترجمه‌ای است از:
 Mark Gasiorowski, *The Government and Politics of the Middle East and North Africa*. United States: Westview, 2014.



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵-۴۱۹۱

سیاست و حکومت در خاورمیانه و شمال آفریقا

© حق چاپ: ۱۳۹۴، مؤسسه انتشارات امیرکبیر

نوبت چاپ: اول

ویراستار: مارک گازپروسکی

ویراستاران پیشین: دیوید ای. لانگ، برنارد ریچ

مترجم: عسگر قهرمان پور

طراح جلد: محمدرضا نبوی

چاپ و صحافی: اسپید، تلفن: ۸۸۴۲۷۶۵۶

شمارگان: ۵۰۰

بها: ۳۰۰۰۰ ریال

تلفن مرکز فروش: ۰۲۱-۶۱۲۸

فروش اینترنتی: www.amirkabir.net

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

۱۳	پیشگفتار.....
۱۵	یادداشتی از ویراستاران پیشین.....
۱۷	مقدمه چاپ هفتم.....
۱۷	خاورمیانه و شمال افریقا در چشم انداز تطبیقی.....
۱۸	جغرافیای فیزیکی و اجتماعی.....
۱۹	تاریخ.....
۲۴	دودستگی های قومی و مذهبی.....
۲۵	شرایط اقتصادی.....
۲۷	شرایط اجتماعی و جمعیتی.....
۲۸	رژیم های سیاسی.....
۳۵	فصل اول: مقدمه چاپ ششم.....
۳۶	جغرافیای فیزیکی و اجتماعی.....
۴۲	پیشینه تاریخی.....
۴۳	محیط سیاسی.....
۴۴	ساختار سیاسی.....
۴۵	پویایی های سیاسی.....
۴۵	سیاست خارجی.....
۴۶	منابع.....
۴۹	فصل دوم: جمهوری ترکیه.....
۴۹	پیشینه تاریخی.....
۵۰	جمهوری ترکیه.....
۶۰	محیط سیاسی.....
۶۷	ساختار سیاسی.....
۷۱	پویایی های سیاسی.....
۷۶	سیاست خارجی.....

۸۷	چشم‌اندازهای آینده
۹۰	منابع
۹۳	فصل سوم: جمهوری اسلامی ایران
۹۳	مقدمه
۹۴	جمهوری اسلامی ایران
۹۵	پیشینه تاریخی
۹۷	دوران پهلوی
۱۰۶	مرحله اصول‌گرایی حکومت اسلامی
۱۱۰	مرحله متعادل
۱۱۳	احیای رادیکال
۱۱۶	محیط سیاسی
۱۱۹	تغییر اجتماعی
۱۲۱	فرهنگ سیاسی
۱۲۳	اوضاع اقتصادی
۱۲۶	ساختار سیاسی
۱۳۳	پویایی‌های سیاسی
۱۳۴	سیاست خارجی
۱۴۰	منابع
۱۴۳	فصل چهارم: پادشاهی عربستان سعودی
۱۴۳	پیشینه تاریخی
۱۴۴	پادشاهی عربستان سعودی
۱۵۵	محیط سیاسی
۱۶۴	اوضاع و احوال اقتصادی
۱۶۸	فرهنگ سیاسی
۱۶۹	ایدئولوژی سیاسی
۱۶۹	ساختار سیاسی
۱۷۰	تهدادهای سیاسی
۱۷۰	قوة قضائیه
۱۷۱	قوة مجریه
۱۷۲	مشارکت شورایی
۱۷۴	فرایند تصمیم‌گیری سیاسی
۱۷۴	فرایند سیاسی
۱۷۴	سیاست خانواده سلطنتی
۱۷۵	سیاست ملی و دیوان سالاری
۱۷۶	سیاست خارجی
۱۸۲	منابع

۱۸۵.....	فصل پنجم: جمهوری عراق
۱۸۵.....	دولت ملت یا دولت ذهن
۱۸۶.....	پیشینه تاریخی
۱۸۸.....	جمهوری عراق
۲۰۵.....	سیاست در عراق صدام
۲۰۸.....	عراق در زمان اشغال: آمریکا: ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱
۲۱۱.....	محیط سیاسی
۲۱۲.....	مردم عراق
۲۱۶.....	ساختار اجتماعی عراق
۲۲۳.....	ساختار و پویایی های سیاسی
۲۲۵.....	سیاست خارجی
۲۲۵.....	عراق و همسایگان قبل از سقوط صدام
۲۲۷.....	بغداد و واشنگتن: جاده سنگلاخ جنگ و آزادی
۲۲۷.....	عراق و همسایگان از زمان سقوط صدام
۲۲۹.....	چشم اندازهای آینده
۲۳۶.....	منابع
۲۳۹.....	فصل ششم: کشورهای عربی شرقی (کویت، بحرین، قطر، امارات)
۲۳۹.....	پیشینه تاریخی
۲۴۵.....	کویت
۲۴۶.....	کویت
۲۵۶.....	بحرین
۲۵۹.....	ساختار سیاسی و پویایی ها
۲۶۴.....	قطر
۲۶۴.....	قطر
۲۶۶.....	ساختار سیاسی و پویایی ها
۲۷۰.....	امارات متحده عربی
۲۷۱.....	امارات متحده عربی
۲۷۲.....	اقتصاد سیاسی
۲۷۵.....	پویایی ها و ساختار سیاسی
۲۸۰.....	عمان
۲۸۱.....	سلطان نشین عمان
۲۸۳.....	ساختار سیاسی و پویایی ها
۲۸۷.....	سیاست خارجی کشورهای عربی شرقی
۲۸۸.....	چشم اندازهای آینده
۲۸۹.....	منابع
۲۹۳.....	فصل هفتم: جمهوری یمن

۲۹۴	پیشینه تاریخی
۲۹۵	دو یمن: ۱۸۳۹ تا ۱۹۹۹
۲۹۶	جمهوری یمن
۲۹۷	اتحاد یمنی‌ها و جمهوری یمن
۲۹۸	جنگ جدایی تا سال ۲۰۱۰
۳۰۱	بهار عربی یمن
۳۰۴	محیط سیاسی
۳۰۴	نواحی و مراکز جمعیتی
۳۰۵	اقتصاد
۳۰۶	فرهنگ و جامعه
۳۰۸	ساختار سیاسی
۳۰۹	پویایی‌های سیاسی
۳۱۰	از جوهات تارانت و دزد سالاری
۳۱۲	بحران اقتصادی و اصلاحات - و بحران
۳۱۴	اسلام سیاسی در یمن
۳۱۷	سیاست خارجی
۳۲۲	چشم‌اندازها
۳۲۳	منابع
۳۲۵	فصل هشتم: جمهوری لبنان
۳۲۵	پیشینه تاریخی
۳۲۸	جمهوری لبنان
۳۳۲	محیط سیاسی
۳۳۸	شرایط اقتصادی
۳۴۰	ساختار سیاسی
۳۴۴	پویایی‌های سیاسی
۳۵۸	لبنان و بهار عربی
۳۵۹	سیاست خارجی
۳۶۳	منابع
۳۶۷	فصل نهم: جمهوری عربی سوریه
۳۶۷	پیشینه تاریخی
۳۶۸	جمهوری عربی سوریه
۳۷۵	محیط سیاسی
۳۸۱	سیاست خارجی
۳۹۶	منابع
۳۹۹	فصل دهم: پادشاهی اردن هاشمی
۳۹۹	مقدمه

۴۰۰.....	پیشینه تاریخی.....
۴۰۱.....	پیدایش اردن مدرن.....
۴۰۲.....	پادشاهی اردن هاشمی.....
۴۰۵.....	اردن در زمان ملک‌حسین.....
۴۰۷.....	محیط سیاسی.....
۴۲۰.....	اردن و بهار عربی.....
۴۲۵.....	منابع.....
۴۲۹.....	فصل یازدهم: اسرائیل
۴۳۰.....	پیشینه تاریخی.....
۴۳۱.....	اسرائیل.....
۴۳۴.....	محیط سیاسی.....
۴۳۸.....	دین و دولت.....
۴۳۹.....	اوضاع اقتصادی.....
۴۴۲.....	ساختار سیاسی.....
۴۴۶.....	پویایی‌های سیاسی.....
۴۶۳.....	سیاست خارجی.....
۴۷۲.....	جستجو برای دوستان و متحدان.....
۴۷۸.....	منابع.....
۴۸۳.....	فصل دوازدهم: فلسطین
۴۸۴.....	پیشینه تاریخی.....
۴۸۴.....	امپراطوری عثمانی.....
۴۸۵.....	قیمومیت بریتانیا.....
۵۰۱.....	محیط سیاسی.....
۵۰۴.....	منازعه عمومی.....
۵۰۷.....	اقتصاد سیاسی.....
۵۰۷.....	نامتوازی قدرت.....
۵۰۸.....	حکومت حماس در غزه.....
۵۱۰.....	سیاست خارجی.....
۵۱۲.....	چشم‌اندازهای آینده.....
۵۱۳.....	منابع.....
۵۱۹.....	فصل سیزدهم: جمهوری عربی مصر
۵۲۰.....	پیشینه تاریخی.....
۵۲۳.....	رژیم افسران آزاد.....
۵۲۸.....	قیام ۲۰۱۱.....
۵۳۲.....	محیط سیاسی.....
۵۴۱.....	پویایی‌های حساس.....

سیاست خارجی.....	۵۴۵
منابع.....	۵۴۹
فصل چهاردهم: جماهیر سوسیالیستی بزرگ مردم عربی لیبی	۵۵۱
پیشینه تاریخی.....	۵۵۲
پادشاهی لیبی.....	۵۵۴
انقلاب ۱۹۶۹.....	۵۵۶
دومین انقلاب لیبی، ۲۰۱۱.....	۵۶۰
پویایی های اقتصادی.....	۵۶۲
روابط خارجی.....	۵۶۸
منابع.....	۵۷۴
فصل پانزدهم: پادشاهی مراکش	۵۷۷
پیشینه تاریخی.....	۵۷۷
استعمارگری رسمی اروپایی.....	۵۷۹
ظهور ملی گرایی.....	۵۸۰
سال های اولیه استقلال.....	۵۸۱
تلاش های کودتا.....	۵۸۳
دوران پس از حسن.....	۵۸۸
محیط سیاسی.....	۵۹۳
ساختار سیاسی.....	۵۹۷
منابع.....	۶۰۸
فصل شانزدهم: جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر	۶۱۳
پیشینه تاریخی.....	۶۱۳
نبرد ملی گرایی.....	۶۱۵
جمهوری دموکراتیک مردمی الجزایر.....	۶۱۶
الجزایر پس از استقلال.....	۶۱۷
محیط جغرافیایی.....	۶۲۰
عوامل فرهنگی و سیاسی متمایز.....	۶۲۱
شرایط اقتصادی.....	۶۲۳
تعدیل ساختاری.....	۶۲۵
ساختار سیاسی.....	۶۲۷
ارتش.....	۶۲۸
اسلام گرایان.....	۶۳۰
انجمن های مدنی.....	۶۳۲
پویایی های سیاسی: دموکراتیزاسیون شکست خورده، خشونت و آشتی.....	۶۳۴
چشم اندازهای سیاسی و اقتصادی.....	۶۳۹

سیاست خارجی.....	۶۴۰
منابع.....	۶۴۳
فصل هفدهم: تونس.....	۶۴۷
مقدمه.....	۶۴۷
پیشینه تاریخی.....	۶۴۸
از تحت‌الحمایگی تا استقلال.....	۶۴۸
تونس بورغیا.....	۶۴۹
سقوط بورغیا.....	۶۵۱
ماه عسل بن علی.....	۶۵۲
عمیق‌تر شدن سرکوب.....	۶۵۳
انقلاب یاسمن (سفید).....	۶۵۴
ساخت یک نظم جدید.....	۶۵۶
محیط سیاسی.....	۶۶۱
ساختار سیاسی.....	۶۶۳
احزاب سکولار.....	۶۶۴
احزاب اسلام‌گرا.....	۶۶۶
سازمان‌های جامعه مدنی.....	۶۶۸
ارتش.....	۶۶۹
پویایی‌های سیاسی.....	۶۷۱
سیاست خارجی.....	۶۷۲
منابع.....	۶۷۴
نمایه.....	۶۷۹

پیشگفتار

در ویراست هفتم کتاب حکومت و سیاست در خاورمیانه و شمال آفریقا که در آخرین ماه سال ۲۰۱۳ به چاپ رسیده است، چاپ‌های گذشته به روز شده و چالش‌های فزاینده کنونی فراروی منطقه برای خواننده معرفی می‌شود. از زمان آخرین ویراست کتاب حاضر که در اواخر سال ۲۰۰۹ منتشر شد، تغییرات بنیادینی در خاورمیانه و شمال آفریقا روی داده است. مهمتر از آن، قیام‌های مردمی موسوم به بهار عربی {نظم} منطقه را برهم زده و بر هر کشوری که در خاورمیانه قرار دارد به نحوی تأثیر گذاشته است. از سوی دیگر، تلاطم چالش‌های ایجاد شده توسط جنبش‌های اسلامگرای رادیکال، تنش‌های شدید ژئوپلیتیکی، بهای بالای نفت، رکود جهانی و پیشرفت مداوم جهانی شدن در سال‌های اخیر نیز بر این منطقه تأثیر گذاشته است. نویسندگان این کتاب تأثیرات این عوامل و عوامل دیگر را بر سیاست‌های کنونی کشورهای خاورمیانه بررسی می‌کنند.

از زمان ویراست پیشین تغییرات زیادی روی داده است. مهمتر از همه، زمانی که دیوید لانگ و برنارد ریچ که نخستین ویراست این کتاب را در سال ۱۹۸۰ منتشر کردند، {به نوعی} الهام بخش ویراست‌های بعدی نیز قرار گرفت. همچنین تغییرات دیگری نیز روی داد که در نهایت از میان ویراستاران گذشته تنها مارک گازیرووسکی به عنوان ویراست کتاب حاضر باقی ماند. مارک از انجام تلاش‌های فوق‌العاده آن دو در ویراست‌های گذشته سپاسگذاری می‌کند که فرصتی برای او مهیا کردند تا در ویراست‌های بعدی این کار را ادامه بدهد. یوشا استاجر و کریستوفر الکساندر نوشتن فصول مربوط به مصر و تونس را در ویراست جدید بر عهده گرفتند و ریموند هینه بوش به عنوان همکار دیوید لث در فصل سوریه به او ملحق شد.

مقدمه این کتاب بررسی اجمالی از منطقه ارائه می‌دهد و طرحی نو از جغرافیا، تاریخ، شرایط اجتماعی و اقتصادی و انواع رژیم‌های سیاسی رایج این منطقه درمی‌اندازد. فصول بعدی کتاب، سیاست داخلی و سیاست خارجی کشورهای منطقه و همچنین تشکیلات خودگردان را پوشش

می‌دهد. هر کدام از این فصل‌ها قالب مشترکی دارند، پیشینه تاریخی یک کشور و عواملی را بررسی می‌کنند که سیاست داخلی و سیاست خارجی کشور مربوطه را شکل می‌دهد. همچنین فصول کتاب شامل نقشه جغرافیایی هر کشور، جدول‌های مربوط به داده‌های کلیدی هر کشور و ارجاعات برای مطالعات بیشتر خوانندگان می‌باشد. هر فصل توسط یک استاد سرشناس خاورمیانه نوشته شده و تا زمان تحولات اخیر خاورمیانه، مطالب را به روز کرده و کوششی جامع و به روز از سیاست منطقه ارائه می‌دهد.

یادداشتی از ویراستاران پیشین

دیوید لانگ و برنارد ریچ

در دهه ۱۹۷۰، فردریک ای. پراگر، ناشر مشهور آثار بی‌شمار درباره روابط بین‌الملل، سیاست و تاریخ از ما درخواست کرد اثری مقدماتی درباره سیاست کشورهای منطقه موسوم به خاورمیانه تهیه و گردآوری بکنیم. هدف از این کتاب آشنا کردن دانشجویان، تحلیل‌گران، روزنامه‌نگاران و مقامات دولتی و خوانندگان کلی مورد علاقه به این منطقه بود. از همان آغاز تصمیم گرفتیم با گنجاندن کشورهای عرب آفریقای شمالی جامعیت این کتاب را تضمین کنیم. افزون بر این ما نه تنها به دنبال یاری گروه متعدد متخصصان خاورمیانه‌ای بودیم که تجارب دانشگاهی و سیاستمداری در هر دو منطقه داشتند بلکه متخصصان ویژه هر کشوری را پیدا کردیم تا با تمرکز بر پویایی‌های سیاسی آن کشور خاص فصلی جامع و به روز تولید کنند.

رئوس مشترک را برای هر نویسنده بیان کردیم تا بر اساس آن کتاب را پیش ببریم، اما همواره آگاه بودیم که تفاوت‌ها و ویژگی‌هایی در نظام سیاسی هر کشور و در سبک هر نویسنده وجود دارد، از این روی قالب مشترکی برای ادامه کتاب افزوده شد، اما هرگز دیدگاه‌ها یا نقطه نظرات خودمان را بر نویسندگان تحمیل نکردیم. آن‌ها در موضوع مربوطه کارشناس بودند و به‌عنوان استادان متخصص آن کشور می‌توانستند تجربه و تحلیل منحصر به فردی را به نحو احسن ارائه بدهند و به خواننده اجازه بدهند پویایی‌های سیاسی و سیاست هر کشور را مقایسه و متمایز کنند. بنابراین، روی هم رفته، احساس کردیم که با داشتن ویراستاران و نویسندگانی که با همدیگر منطقه را برای خوانندگان، دانشجویان و دیگر علاقه‌مندان منطقه معرفی کنند، قادر خواهیم بود در طول سال‌های متمادی تحلیل دانشگاهی ارائه بدهیم و درعین حال کشورها را در سرتاسر منطقه مقایسه کنیم.

در نگاه به سال‌های گذشته‌ای که درگیر ویراست کتاب سیاست و حکومت در خاورمیانه و

شمال آفریقا بودیم، به نظر باورنکردنی می‌رسد که از زمان چاپ نخستین ویراست این کتاب در سال ۱۹۸۰ سه دهه سپری شده است و شش ویراست تا به امروز منتشر کرده‌ایم. همچنین باورنکردنی است که خاورمیانه و کل جهان در طول این مدت تغییر یافته است. برای مثال، در سال ۱۹۸۰ هنوز جنگ سرد موضوع مهم منطقه‌ای و بین‌المللی به شمار می‌آمد و تروریسم عمدتاً بر مسئله منطقه‌ای منازعه اعراب و اسرائیل متمرکز بود و تازه در حال تبدیل شدن به مسئله بین‌المللی بود و انقلاب اطلاعات هنوز پای خود را به میان مردم عادی باز نکرده بود.

در شش ویراست منتشر شده قبلی، فصول هر ویراست را به روز کردیم و نویسندگان جدیدی را به خاطر اینکه نویسندگان قبلی از صحنه خارج شده‌اند به خدمت گرفته‌ایم. چون زمان تغییر کرده بود، آن‌ها آخرین تحلیل کارشناسی خود را آوردند و ماهیت در حال تغییر حوزه‌های دانشگاهی که نمایندگی آن‌ها را بر عهده دارند بازتاب دادند و اکنون معتقدیم زمان آن رسیده این وظیفه را به نسل جوان‌تر بسپاریم.

ویراست هفتم حکومت و سیاست در خاورمیانه و آفریقای شمالی نخستین ویراست منحصراً انجام شده توسط مارک گازیروسکی است که نخستین بار در چاپ پنجم در سال ۲۰۰۷ به ما پیوست. ویراست جدید به گذار دیگری از مفاهیم اصلی به رویکردهای بازنگری شده اشاره می‌کند که بازتاب‌دهنده رویکرد گازیروسکی به منطقه است. برای او و همه خوانندگان آرزوی موفقیت و خوشبختی داریم.

مقدمه چاپ هفتم

خاورمیانه و شمال افریقا در چشم‌انداز تطبیقی

مارک گازیروسکی

منطقه خاورمیانه و شمال افریقا در سال‌های اخیر شاهد تغییر سیاسی گسترده‌ای بوده است. با خودسوزی جوان میوه فروش دوره گرد تونس، اعتراضات عمومی سراسر منطقه را در سال ۲۰۱۱ فرا گرفت، حادثه‌ای که به بهار عربی معروف شد. این اعتراضات رژیم‌های اقتدارگرای ریشه‌دار در تونس، مصر، لیبی و یمن را به سرعت برانداخت. حاکمان کشورهای دیگر سخت تلاش کردند با اجرای اصلاحات سیاسی محدود، با عضوگیری مخالفان یا افزایش سرکوب از سرنوشت مشابه اجتناب کنند. در اواخر سال ۲۰۱۲، تونس و مراکش دستخوش آزادسازی سیاسی چشمگیری شدند، سوریه و یمن گرفتار جنگ داخلی شدند و آینده مصر، یمن و چندین کشور دیگر همچنان نامشخص مانده است. اسلامگرایان میانه‌رو بزرگترین نافعان و برندگان در مراکش، تونس و مصر بودند.

این حوادث نشان‌دهنده اهمیت بررسی سیاست خاورمیانه و شمال افریقا است. کتاب حاضر با بررسی‌های دقیق از تاریخ و سیاست هر کدام از این کشورها از جمله فلسطینی‌های فاقد دولت به فهم ما از منطقه کمک می‌کند. هدف این کتاب ارائه یک کتاب درسی برای کلاس‌های سطح دانشگاهی و مرجع کلی برای مخاطبان علاقه‌مند به منطقه است.

کتاب شامل چهارده کشور بزرگ منطقه و همچنین فصلی مربوط به پنج کشور کوچک عربی شرقی (کویت، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان) و نیز فصلی مربوط به فلسطینی‌ها می‌باشد. هر فصل با مرور اجمالی تاریخی شروع و بر روندهای جاری تمرکز می‌کند. سپس محیط کلی را بررسی می‌کند، محیطی که درون آن سیاست کشور مربوطه از جمله عوامل جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ژئوپولیتیکی شکل می‌گیرد و بعد از آن نویسندگان

درباره ساختار سیاسی کشور و پویایی‌های آن بحث می‌کنند، نهادهای سیاسی و عوامل اصلی به حرکت درآورنده سیاست کشور مربوطه را بررسی می‌کنند. همچنین هر فصل بخشی را به سیاست خارجی و نقشه کشور مربوطه، جدول داده‌ها و نمودارها (مبتنی بر ویکیپدیا و ورلد فکت بوک) و کتابنامه اختصاص می‌دهد. باقی مانده فصل مروری کلی بر منطقه می‌کند.

جغرافیای فیزیکی و اجتماعی

واژه‌های خاورمیانه و خاور نزدیک به منطقه‌ای اشاره می‌کنند که از مصر در غرب گرفته تا ایران در شرق و از ترکیه در شمال تا یمن در جنوب امتداد یافته است. (نگاه کنید به نقشه ۱۰۱). در کاربرد عمومی، این واژگان گاهی کشورهای افریقای شمالی از جمله مراکش، الجزایر، تونس و لیبی را در برمی‌گیرد، منطقه‌ای که مغرب نیز نامیده می‌شود. فلسطین نام مشترک و عمومی برای منطقه‌ای است که امروزه اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی فلسطین را شامل می‌شود. شامات نیز متشکل از این منطقه و لبنان، سوریه و اردن می‌باشد. سرزمین اصلی ترکیه به آناتولی یا آسیای صغیر مشهور است. واژه اعراب نیز به شبه جزیره بزرگی اشاره می‌کند که در برگیرنده عربستان سعودی، یمن و کشورهای کوچکتر عرب خلیج فارس هستند. بیشتر منطقه گرم و لم‌یزرع است که شامل بیابان‌ها یا استپ‌های پوشیده از عطف است. بزرگترین بیابان، صحرا است که شامل بخش‌های بزرگ چهار کشور افریقای شمالی، مصر و همسایگان جنوبی‌شان می‌باشد. بیابان‌های سینا و نقب در مرز میان مصر و اسرائیل قرار دارند. بیابان سوریه شامل بخش‌های بزرگی از سوریه، عراق، اردن و شمال عربستان سعودی است. صحرای عرب شامل جنوب شرقی عربستان سعودی و بخش‌هایی از کشورهای همسایه است. صحرای دشت کویر و دشت لوت در شمال مرکزی و شرق ایران قرار دارند. این بیابان‌ها از نظر ترکیب خاک، ارتفاع از سطح دریا به طور چشمگیری متفاوت هستند. ویژگی آن‌ها آبادی‌های پراکنده‌ای است که شرایط زمین‌شناسی‌شان آب کافی را برای حمایت از گیاهان و حیوانات فراهم می‌آورد. برخی آبادی‌ها مسکونی هستند و عده‌ای در آنجاها ساکن هستند؛ در برخی دیگر چادرنشین‌ها و کوچ‌نشین‌ها ساکن هستند، مردمانی که معمولاً گوسفند و دیگر احشام را پرورش می‌دهند.

استپ‌ها، مناطق عبور میان بیابان‌های و مناطق پر آب با رطوبت کافی برای حمایت از علوفه‌ها، بوته‌ها و درختان کوچک هستند. بسیاری نزدیکی سلسله کوه‌ها ساکن هستند، جایی که باران و چشمه‌ها آب کافی مهیا می‌کنند. این عده شامل کوه‌های اطلس شمال مراکش، الجزایر و تونس؛ کوه‌های شرقی و غربی لبنان؛ کوه‌های تاروس و پونتیک ترکیه؛ کوه‌های زاگرس و البرز ایران؛

و کوه‌های حجاز، آسیر، یمن و الحجر عرب هستند. دما در مناطق کوهستانی متعادل است، حتی زمانی که در زمستان برف می‌بارد. استپ‌های دیگر از جمعیت ساکن و پراکنده‌ای که احشام پرورش می‌دهند و غلات و دیگر محصولات و همچنین گروه‌های کوچک چوپانی و گله‌داری حمایت می‌کنند.

بخش اعظم جمعیت منطقه در شهرها و روستاها در امتداد سواحل و رودخانه‌ها ساکن و متمرکز هستند. پرجمعیت‌ترین منطقه از نظر تاریخی هلال خصیب بوده که از دلتای رودخانه نیل در شمال شرقی ساحل مدیترانه، شرق تا شمال سوریه و جنوب ترکیه تا جنوب شرقی رودخانه‌های دجله و فرات امتداد یافته است. قدمت بسیاری از شهرهای خاورمیانه از جمله اسکندریه، بغداد، بیروت، قاهره، دمشق، قیثه، استانبول، اورشلیم، مکه و تونس به هزار سال قبل باز می‌گردد و از اهمیت فرهنگی و تاریخی بزرگی برخوردارند.

تاریخ

خاورمیانه خانه نخستین تمدن‌های بشری بوده است؛ سومری‌ها، کسانی که حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد در عراق امروزی و مصری‌ها، که حدود ۳۲۰۰ سال قبل از میلاد ظهور کردند. از دیگر تمدن‌های مهم اولیه می‌توان به بابلی‌ها، آشوری‌ها و فینیقی‌ها اشاره کرد. کارتاژ در تونس امروزی، حدود ۸۰۰ سال قبل از میلاد ظهور و بخش اعظم مدیترانه غربی را کنترل کرد. نخستین امپراطوری فارس حدود ۵۵۰ سال قبل از میلاد در ایران امروزی ظهور کرد. اسکندر کبیر قبل از مرگ در سال ۳۲۳ قبل از میلاد بخش اعظم خاورمیانه را فتح و پای یونان باستان را در منطقه حک کرد. طی سده‌های اول و دوم قبل از میلاد، رومی‌ها بخش اعظم خاورمیانه و شمال آفریقا را فتح کردند. عیسی مسیح در استان رومی یهودیه، واقع در حومه فلسطین اشغالی امروزی زندگی می‌کرد. آموزه‌های او باعث ظهور مسیحیت، دومین دین بزرگ یکتاپرستی شد که به تدریج در سرتاسر امپراطوری روم گسترش یافت. یک سری شورش‌های یهودی علیه حکومت روم بین سال ۶۶ و ۱۳۵ میلادی رخ داد که منجر شد رومی‌ها بیشتر یهودیان را از منطقه اخراج کنند، چیزی که بعدها به دیاسپورای یهودی مشهور گشت. کنستانتین اول (۳۰۶ تا ۳۳۷ میلادی) امپراطور روم، مسیحیت را قانونی و از مسیحیان مشهور شد و پایتخت امپراطوری را به بیزانس انتقال داد که بعدها به قسطنطنیه و امروز به استانبول معروف است. این امر امپراطوری بیزانس را به وجود آورد، یک امپراطوری مسیحی هلنی که بخش اعظم منطقه را کنترل کرد. رقیب اصلی‌اش امپراطوری فارس بود که بر بخش اعظم عراق و ایران امروزی حکومت می‌کرد.

در آغاز سال ۶۱۰ میلادی، حضرت محمد(ص) در شهر مکه با دریافت وحی الهی و آخرین پیامبر خدا، دین اسلام و سومین دین یکتاپرستی را اعلام کرد. آموزه‌های او پایه اسلام را تشکیل داد و دین اسلام به زودی در سرتاسر جهان گسترش یافت. حضرت محمد(ص) و پیروانش قبل از رحلت پیامبر در ۶۳۲ میلادی، بخش اعظم منطقه عرب را فتح کردند. جانشینان او فارس‌ها را شکست داده و بیزانسی‌ها را به آناتولی رانده و بخش اعظم خاورمیانه را تحت حکومت اسلام درآوردند. امپراطوری جدید عربی - اسلامی در دهه‌های آتی گسترش یافت و افریقای شمالی، اسپانیا و بخش‌هایی از پاکستان، افغانستان و آسیای مرکزی را فتح کرد. بیشتر مردم منطقه اسلام و زبان عربی را پذیرفتند. حاکمان جدید آن‌ها نیز به نوبه خود بسیاری از رفتارهای فرهنگی و اداری را از مردمی که بر آن‌ها حکومت می‌کردند، جذب کردند.

امپراطوری جدید به شدت دچار شکاف شد. نخستین شکاف متمرکز بر بحثی بود که بعد از رحلت پیامبر چه کسانی باید حکومت را بر عهده بگیرند. عده‌ای از حضرت علی(ع) حمایت کردند، اما کسی دیگر به جای او انتخاب شد. حضرت علی بعداً چهارمین خلیفهٔ مسلمین شد اما به دست خاندان امویه به شهادت رسید، خاندانی که بعداً در دمشق مستقر شدند. امویه‌ها نامحبوب بودند و این امر منجر به یک سری قیام‌هایی گردید. یکی از این قیام‌ها به دست امام حسین(ع) فرزند امام علی صورت گرفت که در سال ۶۸۰ میلادی به شهادت رسید. پیروان امام حسین(ع) از به رسمیت شناختن امویان سرباز زدند و در عوض از خط مشی اجداد امام حسین حمایت کردند. نخستین شکاف میان اکثریت شاخه سنی اسلام که از خلفای راشدین حمایت می‌کردند و اقلیت شیعی اسلامی که از اجداد امام حسین(ع) حمایت می‌کردند، ظهور کرد. امویان در سال ۷۵۰ میلادی به دست عباسیون سرنگون شدند که پایتخت را به بغداد انتقال دادند. عباسیان به مدت بیش از پنج سده در قدرت ماندند و بر توسعه گسترده فرهنگی، اداری و اقتصادی نظارت و کنترل داشتند. باین حال، این دوره نیز شاهد شکاف فزاینده امپراطوری بود و حاکمان محلی گاهی استقلال قابل توجهی داشتند. افزون بر این، جنگ طلبان مسیحی اروپایی در اوایل سال ۱۰۹۶ مدام به امپراطوری عرب - اسلامی حمله می‌کردند و دولت‌های مسیحی در مناطق ساحلی شامات مستقر کردند. زمانی که مغول به بغداد حمله کرد، عباسیان در نهایت در سال ۱۲۵۸ سرنگون شدند. مغول‌ها و رهبران محلی در بخش‌های مختلف منطقه طی دو سدهٔ آتی حکومت کردند.

علاوه بر مغول‌ها، مردم ترک طی این دوره از آسیای مرکزی به شمال شرقی خاورمیانه مهاجرت کردند. ترک‌های عثمانی از این مهاجران بودند که در سدهٔ سیزدهم خود را در آناتولی مستقر و تثبیت کردند و شروع به فتح مناطق حومه کردند. آن‌ها قسطنطنیه، آخرین بازمانده

امپراطوری بیزانس را در سال ۱۴۵۳ فتح کردند و سپس جنوب شرقی اروپا و بخش اعظم سرزمین‌های عرب را فتح کردند. در سال ۱۵۱۷، سلطان عثمانی خود را خلیفه خواند و اقتدار مذهبی امپراطوری اولیه اسلامی را احیاء کرد. در همان زمان، خاندان صفویه امپراطوری جدید فارس را مستقر کردند و مذهب شیعی اسلام را بر دولت خود اعلام کردند و رقیب سرسخت عثمانی‌ها شدند. عثمانی‌ها به مدت چندین سده قدرتمندترین نیرو در منطقه مدیترانه بودند. باین‌حال، جنگ‌های پی‌درپی با امپراطوری‌های هابسبورگ و صفوی و افزایش قدرت اروپایی‌ها آن‌ها را در سده‌های هجدهم و نوزدهم ضعیف کرد. قدرت‌های اروپایی، عثمانی‌ها را از جنوب شرقی اروپا و افریقای شمالی در سده‌های نوزدهم و اوایل بیستم بیرون راندند. جنبش‌های ملی‌گرا در شامات ظهور کردند و کنترل عثمانی‌ها بر این منطقه را بیشتر تهدید کردند. در جنگ جهانی اول، امپراطوری در آستانه فروپاشی بود.

عثمانی‌ها طی جنگ جهانی اول جانب آلمان و اتریش - مجارستان را گرفتند. بریتانیا شورش‌های ضد عثمانی را در شمال عرب و شامات طی جنگ جهانی اول تحریک و شعله‌ور کرد و وعده داد یک دولت عرب مستقل در آنجا بنا نهد. نتایج شورش اعراب، بیرون رانده شدن نیروهای عثمانی از منطقه بود. باین‌حال، بریتانیا و فرانسه نیز به طور محرمانه توافق کردند منطقه را بین خودشان تقسیم کنند. آن‌ها این توافق را بعد از جنگ اجرا کردند. بریتانیا فلسطین، اردن، عراق و فرانسه نیز لبنان و سوریه را اشغال کردند و براساس اساسنامه جامعه ملل آن‌ها را زیر قیمومیت خود درآوردند. عراق در سال ۱۹۳۲ مستقل شد. لبنان، سوریه و اردن نیز در اواسط دهه ۱۹۴۰ مستقل شدند.

در اواخر سده نوزدهم، جنبش ملی‌گرای یهود موسوم به صهیونیسم در اروپا ظهور کرد. تمرکز اصلی‌اش تشویق یهودیان به مهاجرت به فلسطین و تشکیل یک دولت یهودی بود تا از شکنجه و تعقیب در اروپا فرار کنند. شمار کوچکی از یهودیان قبل از جنگ جهانی اول به فلسطین حرکت کردند. طی جنگ، آرتور بالفور، وزیر امور خارجه بریتانیا اعلام کرد که بریتانیا به تحقق اهداف صهیونیست‌ها کمک خواهد کرد. سپس بریتانیا اجازه داد مهاجرت یهودیان زیادی به فلسطین بعد از جنگ صورت گیرد و برای نخستین بار از زمان دیاسپورای دوران روم یک جمعیت یهودی بزرگ تشکیل داد. درگیری‌ها میان صهیونیست‌ها و اعراب فلسطین که خواستار کشور مستقل بودند، افزایش یافت. جنگ داخلی تمام عیاری بین سال‌های ۱۹۳۶ و ۱۹۳۹ رخ داد.

قبل از جنگ جهانی دوم، منازعه در فلسطین فروکش، اما بعد از جنگ تنش‌ها باز هم ظهور کرد. بریتانیا اکنون ضعیف بود و قادر نبود بحران را حل و فصل کند، طوری که سازمان ملل متحد این مسئولیت را بر دوش گرفت. با تشویق قوی ایالات متحده، سازمان ملل متحد در مه ۱۹۴۸

تصمیم گرفت فلسطین را به دو قسمت یهودی‌ها و اعراب تقسیم کند. وقتی اسرائیل اعلام استقلال کرد، مصر، اردن، سوریه و عراق به آن حمله کردند و جنگ اول اعراب - اسرائیل آغاز شد. اسرائیل تلاش کرد نه تنها زمین‌های اعطا شده توسط سازمان ملل به آن را به دست گیرد بلکه بخش اعظم سرزمین‌های اعراب را نیز اشغال کرد. بیشتر اعراب فرار کردند یا از فلسطین اخراج شدند و در کشورهای عرب همسایه آواره شدند.

ایجاد اسرائیل و بحران آوارگان فلسطینی در سراسر جهان عرب خشم بزرگی به وجود آورد. این خشم توأم با تداوم سلطه استعماری و نواستعماری اروپایی در بسیاری از مناطق، موج بی‌ثباتی و ظهور جنبش‌های ملی‌گرای رادیکال عرب که توسط جمال عبدالناصر رهبری می‌شد قدرت را در ۱۹۵۲ به دست گرفتند. ناصر سپس کانال سوئز با مالکیت بریتانیا را ملی اعلام کرد و منجر به حمله اسرائیل، بریتانیا و فرانسه به مصر و تلاش ناموفق برای سرنگونی ناصر گردید. حکومت‌های ملی‌گرای رادیکال مصر و سوریه در ۱۹۵۸ ترکیب شدند و جمهوری عرب متحد کوتاه عمر را ایجاد و ملی‌گرایان رادیکال پادشاهی عراق را در سال ۱۹۵۸ سرنگون کردند. ملی‌گرایان رادیکال در الجزایر قیام خونینی را علیه حکومت استعماری فرانسه در سال ۱۹۵۴ شروع کردند و منجر شد فرانسه در سال ۱۹۵۶ به مراکش و تونس و نهایتاً الجزایر در ۱۹۶۲ اعطای استقلال بدهد. ملی‌گرایان رادیکال نیز در اواخر دهه ۱۹۶۰ در جنوب یمن و لیبی قدرت را به دست گرفتند.

در ژوئن ۱۹۶۷، اقدامات تحریک‌برانگیز ناصر منجر شد اسرائیل به همسایگانش حمله کند و بخش‌های باقی مانده فلسطین، شبه جزیره سینای مصر و تپه‌های جولان سوریه را اشغال کند. این امر افراط‌گرایی بیشتر را در جهان عرب از جمله افزایش شدید حملات مبارزان فلسطینی و حملات شهادت‌طلبانه علیه اسرائیل را شعله‌ورتر کرد. در سال ۱۹۷۳، مصر و سوریه به طور مشترک در سینا و جولان به نیروهای اسرائیلی حمله کردند و تلاش ناموفقی برای بازپس گرفتن این سرزمین‌ها کردند. فلسطینی‌ها از جنوب لبنان حملات متعددی علیه اسرائیل کردند و تنش‌ها و انتقام‌گیری اوج گرفت که به جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۷۵ انجامید. انور سادات رئیس‌جمهور مصر توافق صلح کمپ دیوید را با اسرائیل در سال ۱۹۷۸ امضاء و زمینه مذاکرات اعراب و اسرائیل را فراهم کرد که منجر شد اسلام‌گرایان رادیکال او را در سال ۱۹۸۱ ترور کنند.

در سال ۱۹۷۹ - ۱۹۷۸ اسلام‌گرایان در ایران یک انقلاب مردمی را رهبری کردند که به سرنگونی حکومت پادشاهی پهلوی انجامید که امریکا از آن حمایت می‌کرد و در نتیجه یک حکومت اسلامی مستقر شد. انقلاب ایران الهام‌بخش بسیاری از اسلام‌گرایان در سرتاسر منطقه شد و دوره‌ای آغاز شد که در آن اسلام‌گرایان به‌عنوان حامیان اصلی/تفسیر در منطقه جایگزین

ملی‌گرایان شدند. رهبران جدید ایران در سال‌های اولیه انقلاب برنامه اسلامی کردن داخلی و حمایت از اسلام‌گرایان در کشورهای منطقه را در پیش گرفتند. آشفتگی به وجود آمده منجر شد صدام حسین، رئیس‌جمهور عراق در سال ۱۹۸۰ به ایران حمله کند و جنگی ویران‌گر به وجود آورد. اسرائیل نیز در سال ۱۹۸۲ به لبنان حمله کرد و منجر شد ایران حزب الله را تشکیل بدهد که دست به حملات متعددی علیه اهداف اسرائیلی و امریکایی بزند. جنبش‌های اسلام‌گرای قدرتمند همچنین در افغانستان، مصر، الجزایر و سرزمین‌های اشغال شده توسط اسرائیل در سال ۱۹۸۰ ظهور کردند. جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۸ پایان یافت. عراق سپس در سال ۱۹۹۰ به کویت حمله کرد که منجر شد ایالات متحده دست به سازماندهی ائتلافی از نیروهای بزد که عراق را در اوایل سال ۱۹۹۱ بیرون براند و تحریم‌های شدید سازمان ملل علیه عراق به تصویب برسد. همچنین مقامات ایالات متحده تلاش کردند در دهه ۱۹۹۰ توافق صلحی بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها ایجاد کنند. این تلاش در نهایت در سال ۲۰۰۰ فرو پاشید و قیام فلسطینی‌ها علیه اشغال‌گری اسرائیل تحریک و شعله‌ور شد که چندین سال طول کشید و زندگی هزاران انسان از بین رفت. این حوادث در جهان عرب نگرانی بیشتری به وجود آورد و اسلام‌گرایی رادیکال را شعله‌ور کرد. مهمترین تجلی آن ظهور شبکه تروریستی القاعده بود که در اواخر دهه ۱۹۹۰ پایگاه‌هایی در افغانستان درست کردند و از آنجا دست به یک سری حملات تروریستی علیه اهداف ایالات متحده و غرب زدند.

وحشتناک‌ترین تلاش القاعده، حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به نیویورک و واشنگتن بود. در ماه‌های آتی، ایالات متحده و متحدانش برای نابودی القاعده و وابستگانش دست به تلاش جهانی زدند و نخست با نابودی حکومت طالبان اسلام‌گرای افراطی در افغانستان شروع کردند. ایالات متحده سپس در سال ۲۰۰۳ به عراق حمله کرد، هر چند این کشور تهدید کمتری به منافع امریکا بود. نیروهای ایالات متحده درگیر و گرفتار جنگ خونینی شدند که تا سال ۲۰۱۱ ادامه داشت. این جنگ منابع ایالات متحده را از افغانستان و پاکستان را به چالش بکشد.

درگیری مرزی با حزب الله به حمله دوباره اسرائیل به لبنان در سال ۲۰۰۶ انجامید. در سرزمین‌های فلسطینی، جنبش اسلام‌گرای حماس در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۶ پیروز شد و حزب میانه‌رو فتح را مجبور به خروج از غزه در سال ۲۰۰۷ کرد. سپس اسرائیل محاصره شدید غزه را آغاز و در اواخر سال ۲۰۰۸ به آنجا حمله کرد؛ به این امید که حمایت مردمی از حماس را تضعیف کند.

چند سال گذشته دوره سرنوشت‌سازی برای منطقه بود. بهار عربی جهان عرب را متحول کرد، در چندین کشور، رژیم‌های دموکراتیک و نیمه دموکراتیک به وجود آورد، جنگ داخلی را در هر

جایی تحریک کرد و نقش منحصر به فردی در سیاست به اسلام‌گرایان میانه‌رو داد. بهار عرب همچنین تأثیرات منطقه‌ای مهمی داشته است، روابط اعراب - اسرائیل و اعراب - ایران را وخیم‌تر کرد، آوازه منطقه‌ای قطر و ترکیه را دربرگرفت و شورش را در منطقه صحرا شعله‌ورتر کرد. در سال ۲۰۱۱، نیروهای ایالات متحده در نهایت رهبر القاعده، اسامه بن لادن را کشتند، سبیل اسلام‌گرایی افراطی را از بین بردند و تردیدهایی را درباره آینده القاعده ایجاد کردند. و برنامه هسته‌ای ایران به دغدغه مهمی تبدیل شد و منجر شد قدرت‌های غربی تحریم‌های شدیدی علیه ایران وضع کنند و احتمال توسل نظامی اسرائیل با آمریکا برای پیشگیری از توسعه برنامه هسته‌ای ایران را بالا ببرند. در اوایل سال ۲۰۱۴ گروه تروریستی دولت اسلامی موسوم به داعش بسیاری از محاسبات منطقه‌ای در خاورمیانه را بر هم زد. این گروه باعث برکناری نوری المالکی از قدرت و جایگزینی حیدر عبادی به نخست‌وزیری عراق گردید. نیروهای ائتلافی به همراه ناتو تصمیم گرفتند داعش را در منطقه از پای درآورند اما هنوز نتوانسته‌اند. مقامات آمریکایی پیش‌بینی می‌کنند جنگ با داعش ممکن است سی سال طول بکشد. سازماندهی نظامی قوی داعش آن را به قدرت افسانه‌ای در منطقه تبدیل کرده است. داعش اعلام کرده است قصد دارد خلافت اسلامی را در سرزمین‌های اسلامی برپا کند. اما بسیاری از گروه‌های حتی سنی نیز با اهداف این گروه تروریستی به مخالفت برخاسته‌اند.

دودستگی‌های قومی و مذهبی

گروه‌های مذهبی و قومی بی‌شماری در خاورمیانه و شمال آفریقا زندگی می‌کنند. زبان اصلی حدود ۶۲ درصد ساکنان منطقه عربی است و در واقع اعراب هستند. عرب زبان‌ها در سرتاسر منطقه زندگی می‌کنند اما فقط اقلیتی در اسرائیل، ترکیه و ایران ساکن هستند. بزرگترین گروه قومی زبانی بعدی ترک‌ها هستند که ۱۶ درصد جمعیت منطقه و ۷۰ تا ۷۵ درصد جمعیت ترکیه را تشکیل می‌دهند. اقلیت‌های کوچکتر ترک شامل آذری‌های شمال غربی ایران، قشقایی‌های جنوب مرکزی ایران و ترکمن‌های ترکیه، عراق و ایران هستند. بزرگترین گروه بعدی فارس‌ها هستند که ۱۰ درصد جمعیت منطقه و ۶۱ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند. فارس‌ها با کردها خویشاوندی دارند و کردها ۶ درصد جمعیت منطقه را تشکیل می‌دهند و در کشورهای مجاور از قبیل ترکیه، عراق، ایران و سوریه زندگی می‌کنند و بلوچستانی‌ها در جنوب ایران، پاکستان و افغانستان ساکن هستند. ۴ درصد نیز بربر هستند که عمدتاً در مراکش و الجزایر زندگی می‌کنند. یهودیان عبری زبان ۱ درصد جمعیت منطقه و ۷۶ درصد جمعیت اسرائیل را تشکیل می‌دهند، با اعراب فلسطینی که باقی مانده را تشکیل می‌دهند. شمار کوچکی از ارمنی‌ها

هم در سوریه، لبنان و ایران زندگی می‌کنند. نزدیک به ۹۲ درصد جمعیت منطقه مسلمان است و تقریباً دو سوم از آن‌ها را مسلمانان سنی تشکیل می‌دهند. بیشتر باقی مانده‌ها شیعی جعفری هستند و پیرو دوازده امام هستند. شیعی جعفری تقریباً ۹۰ درصد ایرانی‌ها، ۶۵ درصد عراقی‌ها و بحرینی‌ها، ۳۵ درصد لبنانی‌ها و قسمت‌های کوچکی در عربستان سعودی و جاهای دیگر را تشکیل می‌دهند. بقیه جمعیت شیعی شامل علوی‌ها و علوی‌های ترکیه و سوریه و زیدی‌های یمن هستند. بیشتر عمانی‌ها نیز از شاخه باستانی اسلام پیروی می‌کردند، درحالی‌که اقلیت‌های کوچک در لبنان، سوریه و اسرائیل از شاخه دروزی اسلام پیروی می‌کنند. بیشتر باقی مانده جمعیت منطقه مسیحی هستند از جمله قبطی‌ها که ۱۰ درصد جمعیت مصر، مارونیت‌ها که ۲۵ درصد جمعیت لبنان، ارمنی‌ها و ارتدوکس‌های یونان را تشکیل می‌دهند. حدود ۱ درصد جمعیت منطقه یهودی است از جمله اسلام‌گرایان و اجتماعات کوچک در ایران و جاهای دیگر.

شرایط اقتصادی

همان طور که در جدول ۱،۱ نشان داده شده است، اقتصاد منطقه به نحو چشمگیری متغیر است. قابل توجه‌ترین الگو این است که تولید ناخالص ملی سرانه که درآمد متوسط جمعیت کشور را نشان می‌دهد در سراسر منطقه به طور چشمگیری متفاوت است، ثروتمندترین کشور (قطر) چهل و یک برابر ثروتمندتر از فقیرترین کشور منطقه (یمن) است. هر چند این دو کشور غیرعادی هستند، بی‌تردید درآمدها به طور اساسی متفاوت هستند، با هفت کشور در منطقه بالای ۲۰/۰۰۰ دلار در سال و شش کشور (از جمله سرزمین‌های اشغالی) زیر ۶ هزار دلار در سال دارند. شاخص قابل مقایسه برای ایالات متحده ۴۸/۱۰۰ دلار در سال است.

عامل اصلی این نابرابری‌های درآمد تفاوت فاحش در درآمدهای نفتی و گازی در منطقه است. ستون دوم جدول ۱،۱ درآمد سالانه از صادرات سوخت خام هر کشور را نشان می‌دهد. (برای مثال، صادرات نفت و گاز منهای واردات تقسیم بر میزان جمعیت). شش کشور از هفت کشور با تولید ناخالص داخلی سرانه بالای ۲۰/۰۰۰ دلار صادرکنندگان اصلی سوخت هستند، درحالی‌که همه کشورهای به جز یک کشور زیر ۶/۰۰۰ دلار (عراق) صادرات سوخت خام منفی یا کوچک دارند. صادرکنندگان اصلی سوخت منطقه به سه طبقه تقسیم می‌شوند: سه کشور با صادرات سوخت خام سرانه بالای ۲۰/۰۰۰ دلار (کویت، قطر و امارات متحده عربی)، سه کشور بین ۴/۰۰۰ دلار و ۱۱/۰۰۰ دلار (بحرین، عمان و عربستان سعودی) و سه کشور بالای ۹۰۰۰ دلار (الجزایر، ایران و عراق). این سطوح به طور تنگاتنگی با تولید ناخالص سرانه ملی همبستگی دارند.